

متن پیاده سازی شده

بسم الله الرحمن الرحيم

مستحضرید که کلام آقای خوئی مطرح شد و الان نوبت به نقد کلام ایشان می رسد.

مرحوم خوئی به حسی بودن و حدسی بودن خبر اهمیبت دارد و این را ملاک حجیت یا عدم حجیت دانست؛ ما بارها عرض کرده ایم که ملاک اطمینان است و لذا اگر از خبر حسی هم به اطمینان نرسیم اقدام نمی کنیم.

نکته: این اشکال ما مبنوی است و باید در جایگاه خود بحث شود.

مرحوم آقای خوئی قاعده لطف را رد کرد و فرمود آنچه خداوند متعال انجام می دهد مجرد فضل و رحمت است؛ ما از آقای خوئی سوال می کنیم آیا تقابل قاعده لطف با قاعده فضل درست است؟ آیا کسانی که قاعده لطف را قبول دارند قاعده فضل را قبول ندارند؟!

اگر قانون لطف وجوب فضل بر خدای متعال باشد این منافات با قاعده فضل دارد؛ اما آیا شیخ طوسی و امثالش وجوب فضل را بر خدای تعالی قائل بودند یا ثبوت فضل؟ و بین این دو فرق وجود دارد؛ و لذا در کتب دقیق فرموده اند واجب نیست خدا بنده را به بهشت ببرد و لذا رفتن بنده به بهشت علی وجه الاستحقات نیست اما رفتن نیکوکاران به بهشت بر خدای متعال ثابت است؛ شیخ طوسی و امثال او ثبوت لطف را بر خداوند مطرح می کردند نه وجوب لطف و لذا اشکال مرحوم خوئی وارد نمی باشد. تعابیر گذشتگان معنای ثبوت می دهد نه وجوب؛ مثلا میگویند در نماز اذان و اقامه واجب است به معنای ثبوت است نه وجوب؛ در صدر اسلام و در زمان قدهاء و... نمی شود وجوب را به معنای حکم شرعی دانست بلکه این به معنای ثبوت است. استادعلیدوست: بندگان مزد و پاداش در مقابل عمل ندارند اما اینکه خدای متعال به بندگان مزد ندهد قبیح است؛ چرا که با حکمت خدای تعالی تطبیق ندارد؛ در کتاب سلسبیل به مناسبت، در ذیل آیه و جزاءهم بما صبروا من سه مسلک را در مورد استحقاق بندگان ذکر کرده ام مراجعه شود.

اشکال دیگر: ایشان فرمود در اخبار حسی هر چه آمار مخبرین بالا رود احتمال خطا کم می شود تا جایی که به مرز صفر می رسد اما در اخبار حدسی، کثرت حدس درصد احتمال خطا را کاهش نمی دهد.

اشکال استاد: من قبول دارم که در اخبار حسی انسان زود به اطمینان می رسد حتی با گفتن 3 یا 4 نفر اطمینان حاصل می شود اما در اخبار حدسی این اطمینان دیرتر حاصل می شود اما این طور نیست که با گفتن نفرات زیاد و... در اخبار حدسی درصد احتمال خلاف کم نشود.

اشکال دیگر: آقای خوئی ملازمه، قاعده لطف و... را قبول ندارد چطور می گوید در مقابل اجماع علما نباید مخالفت کرد؛ در مقابل چیزی که حجت نیست چرا باید متوقف شوید و احتیاط بکنید؟!

شخصیت دیگری که در این بحث صحبت دارد مرحوم امام خمینی است:

ایشان اجماع را مطرح می کند و اجماع را مصداق خبر واحد می داند و معیار حس و حدس را مطرح می کند و...؛ آنچه در کلام ایشان جالب به نظر می آید این است که ایشان اجماع منقول به خبر واحد را می پذیرد؛ ایشان می فرماید دفاع از اجماع به دو راه میسر است:

1: حدس فراگیر (ملازمه عادی) ایشان تشبیه میکند و می فرماید اگر شما به کشوری داخل شدید و دیدید همه اداری ها ساعت 7 صبح سر کار می آیند و... شما یقین می کنید که نظر و رضایت رئیس ادارات در این است که ساعت 7 بیایند در اجماع هم همین رویه جاری است و لذا اجماع کاشف از رضایت امام است.

2: اگر علما اتفاق کردند این اتفاق کاشف از دلیل وحیثی است که به دست ما نرسیده است و اگر به دست ما می رسید ما هم می پذیرفتیم.

الحمد لله رب العالمین